

آیات ۳۱ تا ۳۳
سوره لقمان

چه تفاوتی بین دو گروه صبار و شکور و
مختار و کفور است؟

چه تفاوتی بین دو گروه صبار و شکور و
مختار و کفور است؟

تفاسیر پیشنهادی

آیه ۳۱: اُطیب البیان فی تفسیر القرآن
آیه ۳۲: تفسیر نور
آیه ۳۳: اُطیب البیان فی تفسیر القرآن



تفاسیر آیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيكُمْ مِّنْ آيَاتِهِ ۚ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ
كَالظُّلُمِ اللَّيْلِ دَعَاؤُا اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ
فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا
النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمَآ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا
مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا
تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٣٣﴾



به نام خداوند بخشنده یکتا

آیا ندیده‌ای که کشتی‌ها در دریا به واسطه نعمت خدا روان می‌شوند تا [بدینوسیله خدا] برخی از آیات خود را به شما نشان دهد، به تحقیق در این [نعمت] نشانه‌هایی است برای هر بسیار شکیبای سپاسگزار (۳۱)

و هرگاه موج دریا چون ابرها آنان را بپوشاند، خدا را با اخلاص می‌خوانند، ولی همین که آنها را نجات داده و به ساحل می‌رسند، بعضی از آنها راه اعتدال را پیش می‌گیرند و آیات ما را جز اشخاص بسیار پیمان شکن و ناسپاس انکار نمی‌کنند (۳۲)

ای مردم! از خدای خود بترسید و در هراس باشید از روزی که هیچ پدری را به جای فرزند و هیچ فرزندی را به جای پدر پاداش ندهند البته وعده الهی حق است بنا بر این زندگی دنیا شما را نفریبد و مبادا به کرم پروردگار مغرور شوید (۳۳)

نکات سخنرانی

در این آیات دو گروه با هم دیگر مقایسه شده اند. یک گروه کسانی هستند که صبار و شکورند و از نشانه‌های خدا و کشتی که در دل دریا روان است جایی که هیچ امیدی وجود ندارد به خدا می‌رسند. ثر مقابل افرادی هستند که در شرایط سخت یاد خدا هستند اما بعد از آن که از خطر ها گذشتند خدا را فراموش می‌کنند این افراد بسیار نا سپاس اند. یعنی اگر در سختی ها دیدی همه صدای ربنایشان بلند است هنری نیست مهم است وقت راحتی چه کسی دل به خدا می دهد.

خداوند در جای جای قرآن اشاره به این دو ویژگی شکرگذاری و صبوری دارد. کسی که این دو ویژگی را دارد نگاه جدیدی برای اون ایجاد می شود کما اینکه در این آیه خدا می فرماید نشانه حرکت کشتی در دریای متلاطم که انسان در آن هیچ پشتیبان و امیدی ندارد، برای افراد بسیار صبور و بسیار شاکر معنای دیگری دارد.

فکر کنید صبر و شکر گذاری چه تغییری در نگاه ها ایجاد می کند؟ یعنی کسی که صبار و است در شرایط مختلف چه چیزی را می بیند که انسان غیر شاکر و غر غر کن نمی تواند درک کنن. چه رابطه ای بین صبور و شکور بودن و امیدوار بودن است؟

در مقابل افرادی که همیشه می نالند به چه چیز هایی توجه ندارند اینقدر نا امید می شوند؟ خدا در آیه آخر سعی می کند امید انسان را از همه کس حتی از پدر و مادر بردارد و انسان را متوجه کند که هر امیدی به درد ما نمی خورد؟ به نظر شما کدام امید گره گشای همیشگی مومن است؟





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات ۵۵ و ۵۷
سوره نور

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾



در دل سختی ها چگونه می توان امیدوار بود؟

ایمان به هدف و حرکت در هدف چه تاثیری در امیدواری مومنین دارد؟

نگاه مومنین به توانمندی دشمنان چه نقشی در امیدواری آنها به وعده خدا دارد؟

تفاسیرپیشنهادی

آیه ۵۵: تفسیر نمونه

آیه ۵۷: تفسیر نمونه



تفاسیر آیه ها

به نام خداوند بخشنده یکتا

خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده اند وعده می دهد که در روی زمین جانشینشان کند؛ همان طور که پیشینیان را نیز جانشین کرد و دینشان را که برای آنها پسندیده، مستقر سازد و بعد از نگرانیها، ترس آنان را به امنیت مبدل خواهد نمود مرا بندگی کنید؛ هیچ چیز را شریک من قرار ندهید و اگر کسی بعد از این کافر شود، از گروه فاسقین است. (۵۵)

گمان مبر که کافران در زمین معجزه می کنند جایگاهشان آتش است که بد جایگاهی است (۵۷)

نکات سخنرانی

در حالیکه مومنین زندگی به سختی و ناامنی می گذرانند (توجه به شأن نزول آیه) این آیه یک چشم انداز و افق دیدی سرشار از امید به مسلمانان و مومنین می دهد. این وعده آینده روشن در جاهای مختلف قرآن به چشم می آید در آیه ۱۰۵ انبیا خداوند می فرماید: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم که وارث زمین، بندگان صالح من خواهند شد. در تفاسیر آمده است این آیه مربوط به زمان ظهور امام زمان است.

ممکن هستن سوال شود وقتی مومنین در شعب ابی طالب محاصره اند. وقتی تحریم هستیم و گرفتاریم خدای عزیز این چه امیدی هست که می خواهی در دل ما زنده کنی؟ تازه نه در این حد که مشکلات حل بشود. نه در این حد که فقط وعده آخرت بدهد. کل دنیا به شما ارت می رسد.

چگونه می شود کسی این قدر با امید زندگی کند؟ مثال بزنم. امام حسین در قتلگاه می فرماید خدا راضی هستم به رضای تو. حتما جواب علی اکبر را شنیدید که فرمود پدر جان اگر در مسیر حق هستیم ما ناراحتی نداریم هر چیزی می خواهد پیش بیاد. وقتی پیش رهبری از سختی های کشور می گویند می دانیم سختی اما این سختی ها، این دشمنی ها برای کسی که در مسیر حرکت قله هست طبیعی. تا الان شده بشنوید یک کوه نورد بگه آآه این مسیر که آسفالت نیست بیخیال من نمیداد بالای کوه. نه مناسب با سختی های راه خودش رو مجهز می کنه و به امید هدفی که داره روز ها در مسیر ناهموار حرکت می کند و حال کاملا خوبی دارد و امیدوار است.

همه این مثال ها رو زدم. حالا شما بگید کسی که میخواد در شرایط امیدوار باشه چه چیزی میتونه نور امید رو براش روشن نگه داره؟

نکته آخر چرا در آیات بعدی سعی میکند لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي اللَّهِ رَاغِبِينَ چرا نباید خیلی دشمن را بالا حساب کرد؟ و سوال مهم تر اینکه چطور میشه یه دشمن رو که از ما قوی تر و مجهز تر هست و خیلی هم برای خودمون بزرگ کنیم؟

چه چیزی باعث شد تا اون مومن در برابر
نداشتن مال حال بدی نداشته باشه؟

آیات ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶،
۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۳،
سوره کهف

چه ویژگی هایی باعث شد فرد مومن در
همه حال و زیر فشار های انسان فخر فروش
امیدوار باشد؟

تفاسیر پیشنهادی

- آیه ۳۲: اُطیب البیان فی تفسیر القرآن
- آیه ۳۴: تفسیر کاشف
- آیه ۳۵: تفسیر نمونه
- آیه ۳۶: اُطیب البیان فی تفسیر القرآن
- آیه ۳۷: تفسیر احسن الحدیث
- آیه ۳۸: تفسیر نور
- آیه ۴۰: اُطیب البیان فی تفسیر القرآن
- آیه ۴۲: تفسیر نور
- آیه ۴۳: تفسیر اثنی عشری



تفاسیر آیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ
وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ﴿٣٢﴾ وَكَانَ لَهُ وَتَمْرٌ فَقَالَ
لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾
وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا
﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا
مُنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي
خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾ لَكِنَّا
هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾ فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُوتِيَنِي
خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ
صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا
أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِبَةٌ عَلَى غُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ
بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ مِنْهُ يَنْصُرُونَهُ وَمِنْ دُونَ اللَّهِ وَمَا
كَانَ مُنْتَصِرًا ﴿٤٣﴾



به نام خداوند بخشنده یکتا

برای آنها مثالی بزن: دو مرد، یکی را دو باغ دادیم از انواع انگورها و اطراف آن دو باغ را از درخت خرما پوشاندیم و در میانشان زراعت قرار دادیم(۳۲)

صاحب باغ که میوه فراوانی نصیبش شده بود، به رفیق خود که با او گفتگو می کرد گفت: من از نظر ثروت از تو بیشتر و از جهت نفقات نیرومندترم(۳۴)

یک روز که به باغ خود وارد شد، در حالی که به خویش ظلم کرده بود گفت: گمان نمی کنم تا ابد این ثروت من از بین برود(۳۵)

و گمان نمی کنم که قیامت برپاگردد و اگر به سوی پروردگارم بازگردم، بهتر از این وضع را خواهم داشت(۳۶)

رفیقش که با وی گفتگو می کرد گفت: آیا به خدایی که تو را از خاک و بعد از نطفه آفرید و آنگاه تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی(۳۷)

و لکن من پروردگارم الله است و هیچ کس را شریک خدایم قرار نمی دهم(۳۸)

امید دارم که پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد و بر باغ تو صاعقه ای فرستد که زمین بایر شود(۳۹)

و [سرانجام بر اثر قهر خدا] میوه های آن باغ نابود شد و به گونه ای گردید که [رفیق کافر] کف دستها را [به خاطر تأسف] بر آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود، می گرداند (بر پشت دستش می کوبید) در حالی که دیوارهای باغ بر روی داربست آن فرو ریخته بود و [در آن حال] می گفت: ای کاش من هیچ کس را با پروردگارم شریک نکرده بودم(۴۲)

و او را غیر از پروردگار گروهی نباشد تا یاری اش نماید و نمی توانست برای خویش کمکی طلب کند(۴۳)

نکات سخنرانی

در این موقعیت دو فرد هستند که امیدها و دل خوشی های خود را دارند و این دو در کنار هم نمونه ای از انسان های اطراف ما هستند. یکی از این دو نفر دارای باغ و اموال خانواده زیادی هست و خیلی از داشتن اینها احساس خوبی داره و سبب شده چشمش رو نسبت به خدا و زندگی بعد از این دنیا ببندد. وقتی خدا همه ایاموال رو ارزش میگیره دیگه هیچی براش نمی مونه. یه طرف دیگه هم یه نفر هست که از نظر همه اینها از دوستش عقب تر هست و حتی مورد سرزنش دوستش هم قرار می گیره اما در عین نداری امیدواره و حال خوبی داره.

شما اطراف خودتون افرادی رو میبینید که دارایی و زیبایی بیشتری دارن. و خیلی ها بهره کمتری از این نعمت ها برده اند. تا اینجا کار طبیعی هست چون قرار نیست همه ما در یک شرایط خاص باشیم.

اما مواجهه آدم ها با این تفاوت ها زندگی ها رو عوض میکنه. برخی وقتی در برابر دارایی های دیگران خودشون رو ندار می بینن ناراحت و ناامید میشن. برخی احساس عقب موندن میکنن. برخی احساس حسادت می کنن و حتی چون چشم دیدن دارایی بقیه رو ندارن دست به جنایت می زنن. چون گمان میکنن امید و دلخوشی زندگی داشتن این پول و زیبایی هستش با نداشتن اینها حال خوشی نداره.

اما بعضیا مثل فردی که در قرآن اومده در زمان دارایی و نداری حال خوبی داره. حتی وقتی دوستش اون رو تحت فشار قرار میده که من از تو جلو ترم و تو به چه امیدی زنده ای باز اون ناامید نیست. این نگاه از کجا میاد؟

یه داستان میگم تا شاید کمک تون کرده باشم. امید به چه چیزی میتونه برای ما همیشگی باشه نه فقط در حال موفقیت حال ما رو خوب نگه داره. آمد پیش رسول خدا و یه ایشان گفت ایتر یعنی کسی که پسر و نسلی ندارد. پیامبر در آن حال لبخندی به او زد و اصلا احساس کمبود و شکست نداشتن و رفتن. چون خودش ۱۰ تا پسر داشت فکر کرد حتما نسل ماندگاری دارد و امید بالایی به آینده خاندانش داشت. اما همه فرزندان او فوت کردند مقطوع النسب شد و الان نگاه میکنیم نسل پر برکت سادات که از رسول خدا هستند در دنیا می درخشند و میلیون ها سید در دنیا هستند.

دارا بودن خوبه اما اگر قرار شد یا نعمت خدا جلوی خدا و بنده خدا قیافه بگیری به خودت ظلم کردی. خودت رو زمین زدی. اون وقت دیگه دارایی دنیایی داری که بهش امیدواری باشی نه خدایی رو داشتی که بتونه از جا بلندت کنه.

کجای کار اینها مشکل داره که امید های آنها نمیتونه حالشون رو خوب نگه داره. اما کسی که نداره ولی دل به خدا داده چه داشته باشه و چه نداشته باشه حال خوبی داره؟

خداوند چه منتی بر یوسف گذاشته بود؟ آیا یوسف زمانی که در چاه بود نیز همین احساس را نسبت به لطف خداوند داشت؟

آیات ۱۰، ۱۲، ۱۵،
۲۱، ۶۴، ۸۷، ۹۰
سوره یوسف

کلام برادران یوسف در آیه ۸۸ را از زاویه امید با کلام حضرت یعقوب و حضرت یوسف مقایسه کنید.

تفاسیر پیشنهادی

آیه ۱۰: ترجمه تفسیر جوامع الجامع

آیه ۱۲: تفسیر المیزان

آیه ۱۵: تفسیر نمونه

آیه ۲۱: تفسیر کاشف

آیه ۶۴: تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام

المخالفین

آیه ۸۷: تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام

المخالفین

آیه ۹۰: اُطیب البیان فی تفسیر القرآن



تفاسیر آیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوَّةَ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ
بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَعِلِينَ ﴿١٠﴾ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعِ
وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ
يَجْعَلُوهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِأَمْرَأَتِهِ أَكْرِمِي
مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي
الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ قَالَ هَلْ أَمْنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا
كَمَا أَمْنُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حِفْظًا وَهُوَ أَرْحَمُ
الرَّحِيمِينَ ﴿٢٤﴾ بَيْنِي وَبَيْنَ إِذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا
تَأْيَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾ قَالُوا أِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا
أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾



به نام خداوند بخشنده یکتا

یکی از آنها گفت: یوسف را نکشید؛ بلکه اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را در چاهی افکنید تا بعضی از مسافران او را بگیرند و با خود ببرند (۱۰) او (یوسف) را فردا با ما بفرست تا تفریح و بازی کند و ما از او حفاظت می نماییم (۱۲) و همین که یوسف را با خود بردند، به اتفاق آرا تصمیم گرفتند که او را در چاه بیندازند و ما به یوسف وحی فرستادیم که آنها را از این کارشان آگاه خواهی ساخت در حالی که آنها تو را نمی شناسند (۱۵) کسی که یوسف را در سرزمین مصر خرید، به همسرش گفت: او را گرامی بدار؛ شاید برای ما سودمند باشد و یا او را به عنوان فرزند خویش انتخاب کنیم و بدین ترتیب یوسف را در زمین، متمکن و صاحب اختیار ساختیم تا اینکه تعبیر خواب را به او بیاموزیم و خداوند به فرمان خویش احاطه دارد؛ ولی بسیاری از مردم نمی دانند (۱۵) یعقوب گفت: آیا نسبت به این برادر به شما اطمینان کنم؛ همان گونه که نسبت به برادرش در گذشته اطمینان کردم؟ البته خداوند بهترین حافظ و او مهربان ترین مهربانان است (۶۴) فرزنداتم بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت پروردگار مایوس نشوید که از رحمت خدا کسی مایوس نمی شود، مگر آنکه از گروه کافران باشد (۸۷) گفتند: آیا تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم و این برادر من است خدا بر ما منت گذارده است هرکس تقوا پیشه کند و شکیبایی نماید، خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۹۰)

نکات سخنرانی

داستان حضرت یوسف بسیار جالب است. عرصه امید های دارای پشتیوانه و امید های سست است. نتیجه همه این امید ها را خدا بسیار زیبا به تصویر کشیده است. برادران یوسف که کینه او را به دل دارند و برنامه از بین بردن یوسف را می کشند خود را حافظ او معرفی می کنند حضرت یعقوب به آنها اعتماد می کند و امید دارد که حافظ یوسف برادران او هستند و چه کسی قابل اعتماد تر از فرزند و برادر. امیدوار ترین فرد و شاد ترین فرد در این زمان یوسف است. به گمان اینکه با حضور ۱۰ حامی مطمئن هیچ مشکلی برای او پیش نمی آید و غافل از اینکه همین تکیه گاه های دشمن او هستند. وقتی یوسف که امیدش از دنیایی ها قطع شد با خدا ارتباط برقرار کرد و خدا به او آرامش داد. برادری که دشمنی می کند و خدایی راه نجات و امید را در فرسنگ ها آنطرف تر و در خانه ای که هیچ گمان مثبتی به او نمیتوان داشت در خانه عزیز مصر برای یوسف باز می کند. این داستان پیچیده بسیاری از ماها است. در طول زندگی ما به چه چیزها و چه کسانی امید داریم که گره از کار ما باز کنند. چه میزان این افراد قابل اعتماد اند؟ همه مادرانی که پسران خود را از ترس خشم فرعون پنهان کردند بی پسر شدند اما یک مادر امیدی دارد که سبب شد فرزند خود را در آب انداخت و فرزندش در دامن همان فرعون به مقام موسی کلیم الهی رسید. شما بگویید این امید به آینده از کجا برای یوسف ته چاه و مادر در مانده موسی ع آمد. اگر کسی این مرحله برسد زندگی او چه تغییراتی را تجربه می کند و در آخر این اطمینان و آرامش و امید از کجا می آید؟ چه تفاوتی در رفتار حضرت یعقوب بیان شده زمانی که یوسف را با برادرانش راهی کرد و وقتی بنیامین را به سفر با برادران فرستاد؟ نتیجه این تفاوت برای یعقوب چیست و چه درسی برای ما دارد؟ برخی می خواهند هر چیزی را که اراده می کنند و از خدا می خواهند محقق شود اما گاهی خدا باز شدن گره ها را در چاه و در دل سختی ها قرار داده است. خدا راه امیدواری و رسیدن به نتیجه را در آیه آخر نشان می دهد. با رعایت این دستورعمل حتی یوسف در زندان هم امید دارد و می تواند در برابر سختی ها ایستادگی کند.